



فصلنامه علمی اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، مقاله علمی پژوهشی
سال هجدهم، شماره دوم (پیاپی ۴۰)، تابستان ۱۴۰۳، صص. ۱-۴۰

تحلیل مفهومی «حکمرانی» و «نظام‌سازی فقهی»: به‌سوی چارچوبی برای اداره امور عمومی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۲۰ روز نزد نویسنده(گان) بوده است.

10.30497/SMT.2025.246691.3588

احمد مخدومی*
مرتضی جوانعلی‌آذر**
سیدمجتبی امامی***

چکیده

حکمرانی در مطالعات مغرب زمین و نظام‌سازی فقهی در مطالعات اسلامی، در زمره‌ی آخرین تلاش‌های علمی برای پاسخ‌گویی به دغدغه‌های حوزه اداره امور عمومی به شمار می‌روند؛ اما علی‌رغم توجه روزافزون به این دو مفهوم، عارضه‌ی ابهام در معنا، توأمان گریبان‌گیر آنان شده است. در بخش اول این پژوهش در تلاشی برای رفع این ابهام، با بهره‌گیری از روش تحلیل مفهومی تقلیل‌گرا به واکاوی معانی این واژگان می‌پردازیم؛ با این تفاوت که در حکمرانی، با ادبیاتی متکثر مواجهیم که به‌سختی می‌توان، خاستگاه نظری و سیر تطور واحدی برای تأسیس و توسعه این مفهوم جستجو نمود؛ اما در «نظام‌سازی فقهی» می‌توان تکیه‌ی بخش قابل توجه‌ای از رویکردهای موجود را به «نظریه شهیدصدر» معطوف دانست؛ به همین اعتبار در مراحل اجرای پژوهش، برای فهم معنای حکمرانی به راهبرد گونه‌شناسی و در نظام‌سازی فقهی (به دلیل مرکزیت نظریه شهید صدر)، به راهبرد مرکز-پیرامون تأکید می‌کنیم. در بخش دوم، با مقایسه تطبیقی این دو رویکرد، دلالت‌های نظری هر یک برای ترسیم چارچوب کلی اداره امور عمومی اسلامی استخراج می‌شود. تأکید حکمرانی بر «پدیده اقتدار منتشر»، «مقوله تحقق»، «حلّ مسأله»، «وسایل متنوع متناسب با هدف»، «رویکرد تدریجی» و «روش تجربی» در کنار دلالت‌های نظام‌سازی فقهی بر «کشف محوری»، «قواعد کلان هنجاری»، «قواعد بنیادین»، «محوریت وکی جامع»، «نیازهای حقیقی انسان» و «حقایق ثابت در کنار امور متغیر» می‌تواند زمینه‌ساز چارچوبی تلفیقی، کارآمد و در عین حال مشروع برای اداره امور عمومی اسلامی باشد.

واژگان کلیدی

نظام‌سازی فقهی؛ حکمرانی؛ اداره امور عمومی؛ اداره امور عمومی اسلامی؛ شهید سیدمحمدباقر صدر؛ تحلیل مفهومی تقلیل‌گرا؛ دلالت پژوهی.

* دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

ah.makhdoumi@gmail.com

0009-0008-3999-4192

** استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

javanali@isu.ac.ir

0000-0003-1120-3017

*** دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

emami@isu.ac.ir

0000-0001-6762-4932

مقدمه

اداره امور عمومی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تاریخی جوامع بشری بوده است. در ادوار مختلف، اندیشمندان حوزه اجتماعی و سیاسی همواره در پی یافتن مسیرهایی برای تأثیرگذاری بیشتر بر بهبود فرآیندهای اداره و مدیریت دولت‌ها و جوامع آن بوده‌اند. در این میان، در چند دهه اخیر، مفهوم «حکمرانی»^۱ به‌عنوان یکی از پارادایم‌های متأخر در حوزه مطالعات اداره امور عمومی^۲، با ارائه دیدگاهی متمایز در اداره جوامع و تغییر تمرکز از دولت به شبکه‌ای از بازیگران اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای یافته است. از سوی دیگر، در شش دهه اخیر در مطالعات اسلامی، رویکرد «نظام‌سازی فقهی» در تلاش است از چارچوب‌های مرسوم فقهی در پاسخ‌گویی به احکام فردی فراتر رفته و چارچوبی برای تنظیم روابط اجتماعی و اداره جامعه ارائه دهد. با وجود اهمیت بررسی این دو مفهوم به‌عنوان آخرین مطالعات، یکی از چالش‌های اساسی در این بررسی، ابهامی است که در معانی این واژگان وجود دارد. در نتیجه، این پژوهش تلاش دارد ابتدا به واکاوی معانی این واژگان بپردازد و در بخش دوم پژوهش، با مقایسه این مفاهیم و بصیرت‌های هر مفهوم، دلالت‌های آن را برای ترسیم چارچوبی کلی برای اداره امور عمومی اسلامی احصاء نماید.

۱. حوزه اداره امور عمومی غایت مشترک مطالعات حکمرانی و نظام‌سازی فقهی

اداره‌ی حکومت و جوامع آن دغدغه‌ای است که از دیرباز اندیشه متوکلان سیاسی و اجتماعی را به خود معطوف داشته است؛ امروزه از این دغدغه عمدتاً با اصطلاح «اداره امور عمومی» یاد می‌شود و به‌عنوان مجموعه فعالیت‌هایی که با هدف تحقق «منافع عمومی» انجام می‌گیرد، شناخته می‌شود. این مجموعه فعالیت‌ها غیرفردی بوده (نوری، ۱۳۹۲، ص. ۱۲) و از این رو دولت‌ها وجهه‌ی همّت خود را معطوف به این امور اجتماعی همگانی می‌کنند؛ (دانگ، ۱۳۹۷، ص. ۴۴) فعالیت‌هایی نظیر حراست از مرزها، ایجاد امنیت در شهرها، رفع فقر، تأمین معاش، برقراری عدالت و... از این جمله‌اند. اما پیشینه‌ی دانش اداره امور عمومی به‌عنوان یک حوزه‌ی مشخص علمی، به چیزی کمتر از ۲ قرن پیش باز می‌گردد؛ هنگامی که وودرو ویلسن^۳ در سال ۱۸۸۷، با انتشار یادداشتی با عنوان «مطالعه‌ی اداره»، طلیعه دانشی تازه در بستر علم مدرن را رقم زد (دانگ، ۱۳۹۷، ص. ۴۴)

و پس از آن با شکل‌گیری محافل دانشگاهی در دنیا، اداره‌ی امور عمومی به‌مثابه‌ی علم حیاتی مقوم کشورداری طرح گردید (دانگ، ۱۳۹۷، ص. ۹)، این سنت علمی متولد شد و تا امروز تداوم داشته و تطورات گوناگونی را به خود دیده است. اداره امور عمومی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی را می‌توان غایت مشترک مطالعات حکمرانی و نظام‌سازی فقهی دانست.

۱-۱. حکمرانی و نظام‌سازی فقهی: تفاوت‌ها و تشابه‌ها

حکمرانی در مطالعات مغرب زمین و نظام‌سازی فقهی در مطالعات اسلامی به‌عنوان آخرین تلاش‌ها برای پاسخ‌گویی به دغدغه‌ی اداره امور عمومی نگریسته می‌شوند؛ با این تفاوت که این دو خاستگاهی متفاوت دارند؛ حکمرانی از دهه ۸۰ میلادی، به‌مثابه آخرین پارادایم رشته‌ی اداره امور عمومی، در بستر دانش غربی ظهور یافته (Henry, 2007, p. 26-49) و «نظام‌سازی فقهی» در حدود ۶ دهه پیش، در اثر مواجهه‌ی جریان دینی با مکاتب غربی مدرن در بستر دانش فقه اسلامی طرح شده است. اما با وجود این تفاوت، وجود برخی تشابهات در هر دو جریان، امکان مقایسه بین این مفاهیم را ممکن می‌سازد. برخی از این نقاط مشترک عبارت‌اند از:

۱. این دو مفهوم از دو خاستگاه متفاوت هستند اما در غایت خود که پاسخ‌گویی به دغدغه‌های نظری حوزه اداره امور عمومی است اشتراک نظر دارند (Pierre & Peters, 2022, p. 1؛ میرباقری، عبدالحی و نوروزی، ۱۳۹۵، ص. ۶۲).
۲. هر دو رویکرد به‌عنوان آخرین نسل یا جزو آخرین نسل از مطالعات سنت فکری خود به حساب می‌آیند (Henry, 2007, p. 26-49؛ فیاضی و محمدی، ۱۴۰۱، ص. ۱۶۸).
۳. هر دو مفهوم ادعا می‌کنند که وجه جمعی از مطالعات در سنت فکری پیش از خود هستند^۴ (Meuleman, 2010, p. 19؛ میرباقری، ۱۳۹۶، ص. ۵۶).

۱-۲. ابهام در معنا: عارضه مشترک هر دو مفهوم

در کنار شباهت‌های مذکور، وجه اشتراک دیگر این مفاهیم آن است که هر دو به عارضه «ابهام در معنا» گرفتارند. (Meuleman, 2010, p. 9؛ حکیم، ۱۳۹۸) از یک طرف این روزها دانشجویان اداره امور عمومی و مجریان دولتی در سراسر دنیا، با معانی مختلف و

اغلب گیج‌کننده‌ای از حکمرانی مواجه‌اند که همه‌روزه از آن استفاده می‌شود.^۵ (Lynn, 2010, p. 2) متخصصان حکمرانی می‌گویند حکمرانی اصطلاحی رایج اما به‌طور فاحشی لغزان و مبهم شده است. (ansell & torfing, 2022, p. 2) به نحوی که با وجود استعمال فراوان، کمتر کسی از معنای دقیق آن اطلاع دارد (Meuleman, 2010, p. 19) و وقتی واژه‌ای این چنین پرطمطراق^۶ شد، به واژه‌ای کلی و از معناتهی^۷ تبدیل می‌شود (Meuleman, 2010, p. 19). گای پیترز (۲۰۰۰) که از پیشکسوتان این حوزه مطالعاتی است در این باره هشدار می‌دهد که (Peters, 2000, p. 35):

«حکمرانی یک همان‌گویی^۸ است؛ یعنی چیزی اتفاق می‌افتد و گویی حکمرانی اتفاق افتاده است!»

با همین تأکید جسوپ (Jessop, 2003, p. 4) نیز می‌گوید:

«حکمرانی^۹ به یک اصطلاح فازی تبدیل شده است. بدین معنا که تقریباً در مورد هر چیزی کاربرد دارد و از همین رو هیچ‌چیز خاصی را توضیح نمی‌دهد»
در مفهوم «نظام‌سازی» همین نقیصه به چشم می‌خورد. برخی معتقدند به رغم آن که اصطلاح نظام‌سازی در سال‌های اخیر در مطالعات اسلامی بر سر زبان‌ها افتاده، اما همچنان شفاف نشده است (حکیم، ۱۳۹۸). از نگاه سیدمنذر حکیم (۱۳۹۸) «بیشتر اشکالات و نزاع‌ها در گفتمان نظام‌شناسی، معلول شفاف نکردن اصطلاح نظام است» (حکیم، ۱۳۹۸). این ابهامات فراوان در مفهوم‌پردازی باعث شده، برخی از اندیشمندان هویت این حوزه مطالعاتی را به چالش کشیده و آن را از اساس «چیزی بیش از مطالعات پیشین» ندانند.^۹ (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۷)

باید توجه نمود ابهام معنایی در این مفاهیم از یک سنخ نیست. اگر چه در مطالعات حکمرانی، ابهام پدیده آمده به دلیل خاستگاه‌های متفاوت شکل‌گیری این دانش و تکرر در تعاریف پدید آمده است؛ اما در مطالعات نظام‌سازی فقهی می‌توان اندیشه شهید سیدمحمدباقر صدر را در مرکز و نظریات سایر اندیشمندان را در پیرامون آن قلمداد نمود؛ چرا که اغلب این مطالعات خود را وامدار تفکر شهیدصدر می‌دانند (ملک‌زاده، ۱۳۹۸)؛ به نحوی که نظریات «فقه نظام» (اراکی، ۱۳۹۳) و «اندیشه مدون» (هادوی تهرانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۶) به‌نحو مستقیم و نظریاتی چون «فقه سرپرستی» (میرباقری، ۱۳۹۶، ص.

۵۳) و «رویکرد سیستمی به دین» (واسطی، ۱۳۹۱، ص. ۶۸) به نحو ابتدایی، خود را متصل و متکی به نظریه شهید صدر می‌دانند. مجموعه‌ی این نظریات که با هدف تشریح و یا تکامل نظریه‌ی شهید صدر ارائه شده‌اند، همچنان که گاه موجب ایضاح آن شده، گاه نیز بر ابهام آن افزوده و حتی موجب انحراف از غرض اصلی پدیدآور شده‌اند؛ از این رو علت اصلی ابهام، تفاوت برداشت‌ها از متنی واحد است.

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی معنایی مفاهیم حکمرانی و نظام‌سازی فقهی
 ۲. احصاء دلالت‌های حکمرانی و نظام‌سازی فقهی برای ترسیم چارچوب کلی اداره امور عمومی اسلامی
- پرسش‌های پژوهش:

۱. مفهوم حکمرانی در مطالعات مغرب زمین و «نظام‌سازی فقهی» در مطالعات اسلامی چه معنایی دارند؟
۲. دلالت‌های «حکمرانی» و «نظام‌سازی فقهی» برای ترسیم چارچوب کلی مطالعات «اداره امور عمومی اسلامی» چیست؟

۳. روش پژوهش

در بخش اول این پژوهش با هدف ابهام زدایی از مفاهیم حکمرانی و نظام‌سازی فقهی از روش «تحلیل مفهومی تقلیل‌گرا»^۱ استفاده شده است. تحلیل مفهومی روشی است که برای تحلیل و بررسی مفاهیم مورد استفاده قرار می‌گیرد و هدف اصلی آن، تشخیص ساختارهای پنهانی، ساده‌سازی مفاهیم پیچیده و یا ایجاد مفاهیم جدید است (Kosterec, 2016, p. 220; Laurence & Margolis, 2003, pp. 253-282). تحلیل مفهومی در سه گونه روشی انجام می‌پذیرد (Kosterec, 2016, p. 20):

۱. روش تشخیصی^۱: این روش به دنبال آشکار کردن یا تشخیص مفاهیمی است که قبلاً وجود داشته‌اند اما ممکن است برای تحلیل‌گر نامرئی یا ناپیدا باشند.

۲. روش تقلیل‌گرا^{۱۲}: این روش مفاهیم بزرگتر و پیچیده‌تر را به عناصر پایه‌ای و ساده‌تر تقسیم می‌کند تا بهتر درک شوند. این روش به‌ویژه زمانی کاربرد دارد که تلاش می‌شود مفهومی را از منظر فلسفی یا نظری در سطحی بنیادی‌تر توضیح داد.

۳. روش ساختاری^{۱۳}: این روش به دنبال آن است که مفهومی جدید را براساس برخی ویژگی‌ها یا ساختارهای قبلی ایجاد کند.

در پژوهش حاضر، با توجه به این که هدف، واکاوی مفاهیم پیچیده (حکمرانی و نظام‌سازی فقهی) از «منظر نظری در سطحی بنیادی‌تر» است؛ از تحلیل مفهومی تقلیل‌گرا استفاده می‌کنیم؛ بدین ترتیب که تلاش می‌شود با تقلیل این مفاهیم به عناصر پایه‌ای و هسته اولیه مفهومی آن، درک بهتری از این مفاهیم پیدا شود. به همین منظور دستورالعمل گام‌های پیاده‌سازی تحلیل مفهومی تقلیل‌گرا (Kosterec, 2016, p. 20) به شرح جدول شماره (۱) ارائه می‌گردد:

جدول (۱): روش تحلیل مفهومی تقلیل‌گرا

گام‌های پژوهش	هدف از گام	توضیحات
گام اول	شناسایی مفهوم پیچیده	ابتدا یک مفهوم پیچیده و گسترده برای تجزیه و تحلیل انتخاب می‌شود. این مفاهیم معمولاً چندبعدی و دارای سطوح مختلف معنا هستند.
گام دوم	تقلیل مفهوم	مفهوم پیچیده به اجزاء و عناصر ساده‌تر تجزیه می‌شود. این فرآیند تقلیل کمک می‌کند تا مفهوم در سطحی بنیادی‌تر و ابتدایی‌تر توضیح داده شود.
گام سوم	تحلیل مفهوم تقلیل‌یافته	پس از تقلیل مفهوم، تحلیل‌گر تلاش می‌کند تا مفهوم تقلیل‌یافته را توضیح دهد. این توضیح باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان از عناصر مفهومی تقلیل‌یافته برای بازسازی مفهوم اصلی استفاده کرد.
گام چهارم	کاربرد در مسائل پیچیده	تحلیل نهایی می‌تواند برای حل مسائل پیچیده‌تر یا ارائه دیدگاه‌های جدید در مورد یک مفهوم فلسفی یا علمی به کار گرفته شود.

منبع: برگرفته از (Kosterec, 2016, p. 20)

بنابر این دستورالعمل، روش تحلیل مفهومی در پژوهش حاضر به شرح جدول شماره (۲) گام‌های ذیل را طی می‌کند:

جدول (۲): روش تحلیل مفهومی تقلیل‌گرا در مفاهیم حکمرانی و سازی فقهی

گام‌های پژوهش	هدف از گام	حکمرانی	نظام‌سازی فقهی
گام اول	شناسایی مفهوم پیچیده	انتخاب مفهوم «حکمرانی»	انتخاب مفهوم «نظام‌سازی فقهی»
گام دوم	تقلیل مفهوم	به دلیل تکرر مفهومی و وجود خاستگاه متعدد شکل‌گیری، از راهبرد گونه‌شناسی ^{۱۴} برای تقلیل بهره گرفته می‌شود؛ گونه‌شناسی یکی از شیوه‌های متداول برای دسته‌بندی مفاهیم و مطالعات پیچیده است تا بتوان از طریق آن شقوق کلی مفهوم یا حوزه مطالعاتی را دریافت کرد. (collier & Laporte, 2008, p. 152-173) پس از گونه‌شناسی معانی، وجه مشترک گونه‌های حکمرانی احصاء می‌شود	به دلیل مرکزی بودن نظریه شهید صدر و پیرامونی بودن سایر نظریات به‌عنوان شروح دیدگاه ایشان، از راهبرد «مرکز-پیرامون» به معنای قراردادادن اندیشه صدر در مرکز و سایر نظریات در پیرامون آن و ارجاع و تطبیق تکررات نظریات پیرامونی بر نظریه مرکزی برای تقلیل مفهومی بهره گرفته شده است. ^{۱۵}
گام سوم	تحلیل مفهوم تقلیل‌یافته	وجه مشترک معنایی حکمرانی مورد واکاوی فلسفی قرار می‌گیرد.	مفهوم نظام‌سازی فقهی در اندیشه شهید صدر مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد.
گام چهارم	کاربرد در مسائل پیچیده	با هدف امکان استخراج دلالت‌ها برای بخش دوم پژوهش مفاهیم حکمرانی و نظام‌سازی فقهی با یکدیگر مقایسه می‌شوند.	

منبع: پژوهش حاضر

در بخش دوم پژوهش، با استفاده از روش دلالت‌پژوهی تلاش می‌شود دلالت‌های «حکمرانی» و «نظام‌سازی فقهی» در اندیشه شهید صدر برای ترسیم چارچوب «اداره امور عمومی اسلامی» احصاء شود. این روش با پژوهش‌هایی تناسب دارد که در آنها

پژوهش‌گر قصد دارد از سهم‌یاری‌های یک رشته، یک مکتب، یک فلسفه، یک نحله مطالعاتی، یک چارچوب، یک نظریه، یک مدل، یا یک ایده عام و بعضاً خاص رهنمودهای اولیه‌ای برای رشته یا حوزه مطالعاتی یا موضوع مطالعاتی خود احصا کند (دانایی فرد، ۱۳۹۵، ص. ۴۲) به واسطه‌ی صبغی اجتهادی - استنباطی دلالت پژوهی و ماهیت خلاقانه‌ی آن، نمی‌توان روشی متعینی برای این گونه پژوهش‌ها ارائه کرد؛ اما فرایند کلی این پژوهش‌ها قابل تصور است (دانایی فرد، ۱۳۹۵، ص. ۵۱). در روش‌شناسی دلالت پژوهی معمولاً یک مأخذ صادرکننده ایده و یک مأخذ واردکننده ایده وجود دارد. در بخش دوم پژوهش حاضر، مفهوم حکمرانی و نظام‌سازی به‌عنوان مأخذ صادر کننده ایده و اداره امور عمومی اسلامی به‌عنوان مأخذ واردکننده ایده در نظر گرفته شده است.

۴. واکاوی معنای حکمرانی

۴-۱. معنای لفظی

واژه حکمرانی/governance ریشه در کلمه یونانی Kybernan^{۱۶} دارد (Merriam-Webster, n.d.) که به معنای ناوبری کشتی است (Lynn, 2010, p. 1). این واژه از فعل «Govern» گرفته شده که به معنای «حکومت کردن» است و شبیه به اصطلاحاتی چون هدایت کردن^{۱۷}، راهنمایی کردن^{۱۸}، اعمال حاکمیت^{۱۹} و سکان‌داری^{۲۰} است (Princeton University, 2006). در تعریف واژگان انگلیسی این واژه به معنای «فعالیت یا فرایند سرپرستی یا حکومت کردن به منظور هدایت و نظارت بر یک چیز است» (Merriam-Webster, n.d.).

۴-۲. گونه‌شناسی معنای حکمرانی

یکی از راه کارها برای فائق آمدن بر تکرر تعاریف، ارائه گونه‌شناسی از معانی مختلف آن است که تاکنون اندیشمندان مختلفی دست به ارائه این گونه‌شناسی‌ها زده‌اند (Rhodes, 1997, P. 47-53; Meuleman, 2010, P. 24; Lynn, 2010, p. 1). منظور طی گام دوم پژوهش (تقلیل معنایی حکمرانی)، با تمرکز بر گونه‌شناسی لین (۲۰۱۰) از حکمرانی، تلاش می‌شود وجه معنایی مشترک گونه‌های حکمرانی استخراج شده تا در گام‌های بعد تبیینی عمیق‌تر از حکمرانی ارائه شود. لین (۲۰۱۰) با مروری

نظام‌مند مقالات تولید شده در ادبیات حکمرانی از سال ۱۹۷۰ در نشریه پرنفوذ PAR^{۲۱} به معناشناسی و گونه‌شناسی معانی حکمرانی پرداخته است؛ این احصاء در پنج معنا تشریح شده است (Lynn, 2010, p. 1).

۴-۲-۱. حکمرانی به مثابه حاکمیت نظم‌یافته^{۲۲}

در این معنا حاکمیت نظم یافته به این معنا اشاره دارد که «بازیگران چگونه سازمان‌دهی و مدیریت می‌شوند تا اهداف مورد توافق یا اهداف مشترک تحقق پیدا کنند». حکمرانی در این معنا به مثابه «هر نوع اعمال کلی اقتدار»^{۲۳} است که می‌تواند از طریق نهادها و یا سازوکارها اعمال شود و منجر به «نظم‌یافتگی» گردد.

۴-۲-۲. حکمرانی به مثابه حکومت

در آخرین دهه قرن پانزدهم، در یادداشتی با عنوان «اولین رساله‌ی قانون اساسی مکتوب به زبان انگلیسی» که در توصیف «حکمرانی انگلستان»^{۲۴} به نگارش درآمده؛ واژه حکمرانی توسط سرجان فورسکیو مترادف لغت «حکومت» قلمداد شده است (Thompson, 1886, p. 568; as Cited in Lynn, 2010, p. 2). در این معنا، حکمرانی به معنای «هدایت و جهت‌دهی جوامع، کشورها و ملل توسط موجودیت‌هایی است که حسب وظیفه برای دولت شکل یافته‌اند.» (Stoker, 1998, pp. 17-28).

۴-۲-۳. حکمرانی به مثابه حکمرانی خوب^{۲۵}

در دهه‌های اخیر، بخصوص پس از پایان جنگ سرد، برخی از سازمان‌های چندملیتی و بین‌المللی، به خصوص صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی (WBG) به علاوه کشورهای هبه‌کننده به شکل مستقل^{۲۶}، تأکیدشان را از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی^{۲۷} به ارتقای اصلاحات خط‌مشی عمومی^{۲۸} و تعدیلات ساختاری^{۲۹} به خصوص در نسبت با مدیریت اقتصادی تغییر دادند (Dollar and Svensson, 2000, pp. 894-). از این رو، معنی حکمرانی در جامعه‌ی توسعه‌ی بین‌المللی، مفهوم حکومت خوب (یا مثبت)^{۳۰} و حکمرانی مؤثر^{۳۱} را گرفت که این حکومت خوب توسط اقتدار نهادهای بخش عمومی تحقق می‌پذیرد.

۴-۲-۴. حکمرانی به مثابه فرای حکومت^{۳۲}

در این نگاه، حکمرانی تکمیل‌کننده حکومت محسوب می‌شود. این معنا با نگاهی ابزاری^{۳۳} به حکمرانی می‌نگرد و از منظر آن دولت با استفاده از ابزارهای جدید حکمرانی، قادر به اعمال حاکمیت بهتری برای هدایت جامعه خواهد بود.

۴-۲-۵. حکمرانی به مثابه نفی حکومت^{۳۴}

این رویکرد حامل نگاهی نهادی^{۳۵} به حکمرانی است. حکمرانی در جامعه تقیدی به وجود حکومت ندارد، به‌طوری‌که می‌توان بدون وجود آن به حکمرانی جامعه اندیشید. در برداشت‌هایی افراطی‌تر، حکمرانی در مقابل حکومت قرار دارد و حکومت شرّ مطلق تلقی می‌شود. حکمرانی بدون حکومت، به معنای زمینه‌هایی است که حکومت با شبکه‌های غیرمتمرکز، مشارکت‌ها و بازارها جایگزین شده است. دو معنای آخر امروزه به‌عنوان «حکمرانی نوین» شناخته می‌شوند.

۴-۲-۶. تقلیل مفهوم حکمرانی بایره‌گیری از وجه مشترک گونه‌های معنایی

بر اساس گام دوم پژوهش گونه‌شناسی مفاهیم حکمرانی، به منظور تکمیل این گام به دنبال وجه مشترک این تعاریف هستیم. بدون شک این معنای مشترک مفهوم حکومت و نهادهای آن نیست، چرا که برخی از معنای خصوصاً معنای متأخر حکمرانی از آن فاصله دارند؛ از این نظر می‌توان وجه مشترک پنج گونه معنایی حکمرانی را توجه به مقوله «ساختار و فرایند حکومت کردن با یا بدون توجه به حکومت» دانست، این وجه معنایی به خصوص در معنای متأخر حکمرانی، با گذر از مفهوم حکومت به حکمرانی برجستگی روزافزونی یافته است؛ این امر حاکی از این است که تا پیش از این متعاقب تعیین «حکومت» به‌عنوان قدرتی بلامنازع در جامعه، شکل رابطه‌ی «بالا به پایین» اعمال اقتدار حکومت بر مردم، تنها کلیشه ذهنی جوامع به شمار می‌رفت؛ اما حکمرانی این فرصت را فراهم آورد تا با در هم شکستن این کلیشه، درباره‌ی اشکال دیگر حکومت کردن تأمل صورت پذیرد. بنابراین همچنانکه شوفرت (Schuppert, 2007, p. 8; Cited in meulman, 2010, p. 10) معتقد است «با یک تعریف محدود از حکمرانی، غیرممکن است، موفق‌ترین اشکالی که به‌طور تاریخی از حکمرانی به وجود آمده را به حساب آورد»؛ و تنها با یک مفهوم گسترده (ansell & torfing, 2022, p. 3)، تحلیل چالش‌های

حکمرانی ممکن می‌شود؛ بدین منظور باید به هسته‌ی بنیادی تعریف حکمرانی دست یابیم که هم امکان انطباق بر الگوهای سنتی حکمرانی نظیر سلسله مراتب را داشته باشد و هم بر الگوهای نوین حکومت کردن فارغ از وجود حکومت منطبق شود. از این جهت همان طور که بویر اشاره می‌کند «فعالیت یا فرایند حکومت کردن»^{۳۶} (bevir, 2012, p. 20) به جای تمرکز بر حکومت و نهادهای آن وجه مشترک مفهوم حکمرانی است. با همین تأکید میولمن (Meuleman, 2010, p. 11) حکمرانی را به عنوان کلیه تعاملاتی که حکومت، دیگر تشکیلات عمومی، بخش خصوصی و جامعه مدنی طی این تعاملات با یکدیگر مشارکت می‌کنند» تعریف می‌کند. این تعاملات اجتماعی، روابط سلسله مراتبی بالا به پایین، نظیر قاعده اجبار و زور تا سازوکارهایی چون مشارکت، نظرخواهی^{۳۷}، همفکری^{۳۸}، اجماع و رفع تعارض را در بردارد. (bevir, 2012, p. 19).

۳-۴. تحلیل مفهومی حکمرانی

در گام سوم پژوهش ما به دنبال تحلیل معنای تقلیل یافته هستیم. معنای تقلیل یافته از حکمرانی به عنوان «فرایند حکومت کردن» یا «کلیه تعاملات اجتماعی» توصیف شد که شقوق مختلفی از تعاملات اعم از تعاملات بالا به پایین تحت عنوان سلسله مراتب تا تعاملات مبتنی بر سازوکارهای بازار و تا فرایندهای مشارکتی تر اعم از شبکه‌ها و مشورت‌ها را در بردارد. آن چیزی که در این فرایند حکومت کردن یا تعاملات اجتماعی با تمام تفاوت‌های آن مورد توجه مطالعات حکمرانی است، نه مشخصه‌های فرد حاکم^{۳۹} است و نه مشخصه‌های حکومت شونده^{۴۰} است؛ بلکه چگونگی تحقق فعل حکومت و پذیرش آن توسط حکومت شونده است؛ صرف نظر از این که چه کسی حاکم و محکوم باشد. به تعبیر دیگر در هر نوع از این تعاملات اجتماعی / فرایند حکومت کردن با یک نوع از «اعمال اقتدار و تبعیت»^{۴۱} مواجهیم که در این روابط گنجانده شده است. بنابراین می‌توان حکمرانی را این گونه تعریف نمود:

«حکمرانی، کلیه فرایندهای حکومت کردن بین کنشگران اجتماعی است که از طریق انواع سازوکارهای اعمال اقتدار و تبعیت برای نیل به اهداف قصد شده رقم می‌خورد.»



شکل ۱: حکمرانی به مثابه فرایند حکومت کردن/ کلیه تعاملات اجتماعی، منبع: پژوهش حاضر

۱-۳-۴. ویژگی‌های حکمرانی

بدین ترتیب، براساس آنچه از گونه‌های حکمرانی و تعریف حکمرانی ارائه شد می‌توان چهار ویژگی ذیل را برای حکمرانی برشمرد:

۱. تمرکز بر رویه‌های متکثر حکومت کردن به جای تمرکز بر فعل حکومت؛
۲. تمرکز بر همه بازیگران اجتماعی به جای تمرکز صرف بر فاعل حکومت؛
۳. تمرکز بر انواع الگوهای تعامل اجتماعی به جای تمرکز بر یک گونه خاص نظیر سلسله‌مراتب؛
۴. تمرکز بر اهداف قصد شده جمعی به جای تمرکز بر اهداف از پیش تعیین شده ابلاغی.

۵. واکاوی معنای نظام‌سازی فقهی

۱-۵. معنای لفظی

واژه نظام‌سازی از دو رکن «نظام» به‌علاوه «سازی» تشکیل شده است. در یکی از تعاریف در زبان عربی نظام، نخ تسبیحی است که دانه‌های با ارزشی همچون دانه‌های مروارید و غیر آن را کنار هم نشانده است^{۴۲} (منظور، ۱۴۱۴، ج. ۱۲، ص. ۵۷۸). مشابه با این معنا، در فارسی نظام به معنی نظم‌دادن و آراستن آمده است (عمید، ۱۳۸۷). در تعریفی دوم نظام به راهنما و روش^{۴۳} تعریف شده است (الفراهیدی، ۱۴۲۴، ج. ۴، ص. ۲۳۸). در زبان عربی عبارت «برای کار آنها نظام نیست»^{۴۴} به معنای آن است که «برای کار آنها هدایت و متعلق نیست»^{۴۵}. می‌توان وجه جمع دو تعریف را به این صورت تبیین کرد: «نظام در یک مجموعه، آن عنصری است که اجزاء یک مجموعه را به هم مرتبط ساخته و در جهت اهداف مطلوب هدایت می‌کند.» لغتنامه دهخدا در مورد «سازی» نوشته است: «جزو دوم کلمات، مرکب از «ساز» (نعت فاعلی مرخم) و «ی» (حاصل مصدر) است. این کلمه اکثر به اسم ذات پیوندد و حاصل مصدر سازد بمعنی سازندگی، بناکردن یا بعمل آوردن

و استحصال و درست کردن چیزی» که نشان‌دهنده عمل ایجاد، ساخت یا پیاده‌کردن چیزی است مانند «مدل‌سازی»، «سامان‌دهی».

۵-۲. بررسی نظام‌سازی فقهی با راهبرد مرکز- پیرامون

۵-۲-۱. نظریه شهید صدر در مرکز رویکردهای نظام‌سازی فقهی

با ابتدا بر گام دوم روش پژوهش با محور قراردادن اندیشه صدر در مرکز و تفاسیر شارحان در پیرامون آن، تلاش می‌کنیم با تطبیق تکثرات نظریات پیرامونی بر نظریه مرکزی، به تقلیل تعاریف و برداشت‌های متفاوت بپردازیم.

از زمان وضع تا رونق ادبیات نظام‌سازی چیزی قریب به شش دهه می‌گذرد؛ با وجود طرح نام شهید صدر به عنوان مبدع رویکرد نظام‌سازی، اغلب افراد برای ارجاع این عنوان به مباحث شهید صدر با مشکل مواجه می‌شوند، چراکه بیشترین اثری که در این خصوص به آن استناد شده کتاب «اقتصادنا» و طرح ایشان پیرامون «مذهب اقتصادی» است که در این محتوا اشاره‌ای به مفهوم «نظام» نشده است. در این میان اغلب شارحان تلاش نموده‌اند، با استفاده از تعاریفی که صدر برای واژه مذهب بیان نموده، با برقراری نسبتی بین نظام و مذهب، به مفهوم‌پردازی نظام و نظام‌سازی در اندیشه ایشان بپردازند و همین امر موجب بروز اختلافات و حتی سوءبرداشت‌ها در تعریف نظام‌سازی شده است. پیش از ورود نقادانه به تلقی شارحان، با مراجعه مستقیم به آثار شهید صدر ابتدا به تعریف مذهب و سپس مفهوم نظام و نظام‌سازی می‌پردازیم.

از نظر صدر «مذهب اجتماعی هر جامعه عبارت است از روشی که جامعه ترجیح می‌دهد در زندگی و حل مسائل عملی خویش به کار گیرد»^{۶۴} (صدر، ۱۳۹۳ ب، ج. ۲، ص. ۱۵). از این عبارت چنین استفاده می‌شود که مذهب در اندیشه صدر با تعبیر رایج آن در ادبیات فارسی و حتی ترجمه غلط آن به "مکتب فکری" متفاوت بوده و به معنای «روش» است که «توسط جامعه» ترجیح داده می‌شود و کارکرد آن سامان‌بخشی به «حیات اجتماعی و حل مسائل عملی» است. در عبارتی دیگر ایشان مذهب اجتماعی را شامل «هر قاعده بنیادین در حیات اجتماعی» می‌دانند که با «اندیشه عدالت اجتماعی» سر و کار دارد و از این طریق مبتنی بر یک نظام ارزشی و هنجاری امکان راهبری بر سر دوراهی‌ها

در زندگی اجتماعی را ارائه می‌دهد؛ به عنوان مثال، وقتی پیرامون مذهب اقتصادی سخن می‌گوییم، مقصود ما چیزی غیر از «علم» اقتصاد است؛ چرا که «علم در بردارنده هر نظریه است که واقعیتی از زندگی اجتماعی را به گونه‌ای جدا از هر اندیشه پیشین یا آرمان عدالت، تفسیر می‌نماید.» (صدر، ۱۳۹۳ ب، ج. ۲، ص. ۱۹) پس «اندیشه عدالت» که مواضع مطلوب برای هر چیز را در زندگی اجتماعی مشخص می‌سازد، «مرز میان مذهب و علم و نشانه تمایزگذار برای تشخیص اندیشه‌های مذهب از نظریه‌های علمی است.» آثاری که به شرح دیدگاه‌های صدر پرداخته‌اند، غالباً سه برداشت از مفهوم نظام و نظام سازی را به آثار ایشان مستند نموده‌اند:

۱-۲-۵. برداشت اول: نظام‌سازی به مثابه کشف «مجموعه ساختمان منسجم نظری یا نظام فکری» اسلام

در برداشت اول نظام به مثابه «مجموعه ساختمان نظری» یا «نظام فکری» است و نظام‌سازی فرایند کشف این ساختمان نظری است. اگرچه صراحتاً واژه نظام در این تعبیر به کار نرفته اما تعبیر شهید صدر پیرامون تشبیه دین اسلام به «ساختمانی نظری» که از «زیربنا» تا «روبنا» اجزای آن بر یکدیگر استوار شده است با معنای عرفی «نظام فکری» همخوان است (صدر، ۱۳۹۳ ب، ج. ۲، ص. ۳۰). علاوه بر این ترجمه غلط واژه مذهب به مکتب به این تلقی کمک کرده است. این برداشت یکی از رایج‌ترین تلقی‌های رایج از مفهوم «نظام‌سازی» بوده و بسیاری از شارحان هنگام استناد بحث نظام‌سازی به شهید صدر از این عبارات یاد می‌کنند. با این حال نمی‌توان مقصود اصلی شهید صدر از نظام و نظام‌سازی را به این تعبیر معطوف دانست. شهید صدر دین اسلام را به مجموعه ساختمان منسجم نظری تعبیر می‌کند در مبنا «المدرسه» به عنوان مکتب فکری^{۴۷} قرار دارد و مبتنی بر آن «المذهب» به عنوان قاعده القواعد حاکم بر احکام و قوانین قرار دارد و در روبنای آن «علم» و «قانون». در این میان وظیفه مجتهد دینی کشف این ساختمان منسجم نظری از منابع وحیانی و دینی است (صدر، ۱۳۹۳ ب، ج. ۲، ص. ۳۰).

مذهب اقتصادی با نظریه‌ها و قواعد خود، زیربنایی برای روبنای قانون تشکیل می‌دهد و عاملی تعیین‌کننده در ترسیم جهت‌گیری کلی آن محسوب می‌شود. اینکه مذهب به - عنوان زیربنای قانون در نظر گرفته می‌شود، به هیچ وجه از نقش آن به عنوان روبنا که بر

یک قاعده استوار است، نمی‌کاهد. چرا که ساختمان نظری کامل جامعه بر اساس یک نظریه کلی استوار است و شامل سطوح متعددی می‌شود که هر یک بر دیگری تکیه دارد، به‌طوری‌که هر سطح پایین‌تر، زیربنا و شالوده سطح بالاتر محسوب می‌شود. در این میان، مذهب و قانون دو سطح از این ساختمان نظری هستند که در آن، قانون به‌عنوان روبنا، خود را با مذهب تطبیق می‌دهد و در چارچوب نظریه‌ها و مفاهیم بنیادینی که آن مذهب بیان می‌کند، تعیین می‌شود (الصدر، ۱۴۱۷، ص. ۳۲۵).

۲-۱-۵. برداشت دوم: نظام‌سازی مترادف با کشف «مذهب اجتماعی»

در برداشت دوم نظام مترادف با خود واژه مذهب و نظام‌سازی مترادف با فرایند «کشف مذهب» است. بدین معنا که نظام همان معنای مذهب به‌عنوان «روش مرجع جامعه در زندگی برای حل مسائل عملی» را دارد. اگرچه این واژگان در کتاب اقتصادنا بدیل یا مترادف هم به کار نرفته‌اند؛ اما در مقدمه کتاب فلسفتنا، شهید صدر نظام و مذهب را به‌عنوان بدیل یکدیگر به کار می‌برد:

مهم‌ترین مکاتب [مذاهب] اجتماعی که امروزه بر ذهنیت عمومی انسان چیره‌اند و به تناسب حضور اجتماعی‌شان در زندگی انسانی و در رقابت فکری یا سیاسی با یکدیگر می‌باشند، عبارتند از: ۱. نظام دموکراسی سرمایه‌داری ۲. نظام سوسیالیسم ۳. نظام کمونیسم ۴. نظام اسلامی (صدر، ۱۳۹۳ الف، ص. ۲۰).

۳-۱-۵. برداشت سوم: نظام‌سازی به مثابه کشف «الگوی روابط اجتماعی»

در برداشت سوم نظام به معنای الگوی روابط اجتماعی و نظام‌سازی به معنای کشف «الگوی روابط اجتماعی» است. در کتاب اقتصادنا بیان می‌شود:

«مردم در زندگی اقتصادی خود، با دو فرایند متفاوت سر و کار دارند: یکی تولید و دیگری توزیع. تولید در ازای رابطه انسان با طبیعت تعریف می‌شود. از سوی دیگر مردم پیوندهای خاصی را در میان خود برقرار می‌سازند که تعیین‌کننده روابط افراد با یکدیگر در شئون مختلف زندگی است. این پیوندها همان چیزی است که به آن «نظام اجتماعی» می‌گوییم. روابط توزیع در جامعه نیز از جمله نظام اجتماعی به حساب می‌آید. کارکرد نظام اجتماعی از طرفی ایجاد ارتباط بین افراد در یک اجتماع و از طرفی دیگر

محدودسازی آن در چارچوبی معین است. در این چارچوب حقوق و جایگاه افراد مشخص می‌شود.» (الصدر، ۱۴۱۷، ص. ۳۲۱).

منظور از نظام به معنای الگوی روابط اجتماعی، پیوندهایی است که تعیین کننده روابط افراد با یکدیگر در شئون مختلف زندگی است که ایجاد و محدود نمودن روابط افراد اجتماع در چارچوبی معین به نحوی که حقوق و جایگاه افراد مشخص شود. را بر عهده دارد. شهید صدر (۱۳۹۳) به بررسی سه مرحله تاریخی شکل‌گیری جامعه، بروز اختلاف و تشکیل نظام می‌پردازد. در مرحله اول، گزینه خودخواهی انسان موجب همکاری و تشکیل جامعه شد، اما تفاوت منافع افراد، پایه‌های جامعه را شکل داد. در مرحله دوم، با پیشرفت انسان‌ها و افزایش آمالشان، اختلافات و تضادهای اجتماعی ظهور کرد و وحدت جامعه را تهدید نمود. در نهایت، مرحله سوم ضرورت تشکیل یک نظام اجتماعی را مطرح می‌کند که با تعیین حقوق و تکالیف، تضادها را مدیریت و ثبات جامعه را تضمین کند. بر این اساس، نظام اجتماعی به عنوان شرط ضروری ادامه حیات جمعی بشر، به عنوان یک نیاز حقیقی شناخته می‌شود و جامعه‌ای بدون آن قابل تصور نیست. (صدر، ۱۳۹۳، ج. ص. ۱۰۴-۱۰۶).

۲-۵. تلاش شارحان در تبیین معنای نظام‌سازی

۲-۲-۱. دیدگاه آقانظری

در مقاله‌ی «معناشناسی مکتب، نظام و علم در ادبیات اقتصادی اسلامی»، آقانظری و همکاران (۱۳۹۷) با اتکا به اندیشه‌های شهید صدر به تبیین این مفاهیم کلیدی پرداخته‌اند. از منظر ایشان، اگرچه «مکتب» و «نظام» وجوه اشتراکی دارند، اما در چند محور اساسی از یکدیگر متمایز می‌شوند. (آقانظری، توکلی، بیدار، ۱۳۹۷، صص. ۲۵-۴۶) نظام از گستره‌ی مفهومی وسیع‌تری برخوردار است و مکتب را در بر می‌گیرد (رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق). «مکتب» صرفاً به حوزه‌ی نظام معرفتی (مجموعه‌ی گزاره‌ها) محدود می‌شود؛ حال آنکه «نظام» سه ساحت گزاره‌های نظری، رفتارهای عینی و مصادیق خارجی را شامل می‌گردد. حتی در محدوده‌ی نظام‌های معرفتی نیز دایره‌ی شمول نظام گسترده‌تر از مکتب است؛ «مکتب» صرفاً بخشی خاص از نظام معرفتی را تشکیل می‌دهد؛ غایت

مکتب، ترسیم چارچوب‌های کلان برای تحقق حیات سعادت‌مندان‌هی انسانی است؛ از این رو، بسیاری از گزاره‌ها (از جمله گزاره‌های علمی) در قلمرو مباحث مکتبی جای نمی‌گیرند.

۲-۲-۵. مقایسه دیدگاه آقانظری با نظریه شهید صدر

این مقاله با انتخاب نادرست واژه‌ی «مکتب» به‌عنوان معادل «مذهب» و سپس با تفسیری عرفی از این مفهوم - که آن را صرفاً به مجموعه‌ای از گزاره‌های نظری محدود به ترسیم چارچوب‌های کلان تقلیل می‌دهد - برداشتی نارسا از معنای «مذهب» ارائه نموده است. این نارسایی از دو جهت آشکار است:

- نخست آنکه شهید صدر (۱۳۸۴) در آثار خویش برای اشاره به «مکتب» به معنای یک نحله‌ی فکری، از اصطلاح «مدرسه» (و نه «مذهب») استفاده کرده‌اند (الصدر، ۱۴۳۴، ج. ۱، صص. ۸۴، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۶۰؛ صدر، بی‌تا، صص. ۳، ۴، ۵، ۷۰؛ صدر، ۱۳۸۴، ج. ۲، ص. ۳).

- این تعریف با ماهیت عملی مذهب - که در واقع روش و سلوک جمعی برای حل مسائل عملی است - در تعارض قرار می‌گیرد. این خلط مفهومی موجب شده است نویسندگان به اشتباه، نظام را اعم از مذهب تصور کنند.

۳-۲-۵. دیدگاه میرباقری

میرباقری (۱۳۹۶)، نظریه «نظامات اجتماعی» را به شهید صدر منتسب می‌دارد. تلقی او از نظام در اندیشه صدر به طور خلاصه به این صورت است: نظام همان مذهب و به معنای «روش تنظیم حیات اجتماعی در عرصه عملی» است. (میرباقری، ۱۳۹۶، ص. ۶۵) از نگاه این نظریه نمی‌توان احکام را مستقل از یکدیگر در نظر گرفت، چرا که ترابط بین احکام به نحوی است که حکمت نهفته در پس احکام تنها زمانی تحقق می‌یابد که اسلام به‌عنوان یک مجموعه‌ی غیرقابل تجزیه پیاده شود، به‌گونه‌ای که یک کل در عرصه سیاست، فرهنگ یا اقتصاد را شکل دهد و با سایر نظامات اجتماعی اسلام هم ارتباط برقرار کند. (میرباقری، ۱۳۹۶، ص. ۶۷) این مجموعه نظری دارای دو بعد «ثابت» و «متغیر» است و علاوه بر وجود عناصر ثابت در اندیشه اسلامی، بخشی از این مکتب را حوزه عناصر

متغیر تشکیل می‌دهد که همان «منطقه الفراغ» در اندیشه شهید صدر است. هر نظام اجتماعی مبتنی بر مفاهیم و ارزش‌های مخصوص خود، کارایی خاصی را دنبال می‌کند و عرصه را بر دیگر روابط و مناسبات تنگ می‌سازد (میرباقری، ۱۳۹۶، ص. ۶۳).

۴-۲-۵. مقایسه دیدگاه میرباقری با نظریه شهید صدر

مهم‌ترین نقد به این نگاه این است که در تلاش میرباقری بین سه برداشت رایج از ادبیات نظام‌سازی تفکیک صورت نگرفته است. یعنی نظام و نظام‌سازی هم به معنای «مجموعه نظری»، هم «روش تنظیم حیات اجتماعی» و هم به معنای «الگوی روابط اجتماعی» به کار رفته که این عدم تفکیک به خلط مفاهیم و خدشه‌دار شدن وحدت مفهومی انجامیده است. به نظر می‌رسد عامل اصلی این خلط مفهومی، هم معنا گرفتن واژه مذهب با مکتب در ترجمه فارسی است که باعث شده مفهوم مذهب حلقه وصل مفاهیم نظام به معنای «مجموعه نظری» و دو معنای دیگر باشد و این سه برداشت همسان انگاشته شود.

مضاف بر نقد قبلی، خود تلقی «نظام» به عنوان مجموعه منسجم نظری (مجموعه غیرقابل تجزیه) و مستند نمودن آن به عباراتی که شهید صدر تلقی‌اش را از ساختمان منسجم نظری اسلام بیان نموده و به جایگاه مذهب به عنوان یکی از ارکان این ساختمان می‌پردازد، بدون آن که ذکر یا عنوانی از «نظام» بیاورد؛ از حیث روش شناختی محل اشکال است.

۵-۲-۵. دیدگاه میرمعزی

میرمعزی (۱۳۷۹) می‌نویسد: «با بررسی آثار شهید صدر، ابتدا به نظر می‌رسد که وی فرقی بین «مذهب» و «نظام» اقتصادی نمی‌گذارد، اما روشن می‌گردد که وی نظام اجتماعی را مقوله‌ای مشتمل بر «تحدید روابط مردم» (الگوی رفتاری) تعریف می‌کند که در تاریخ انسانی شکلی «ثابت» نداشته، بلکه به اختلاف شرایط و همراه با مقتضیات زمان، رنگ‌های گوناگون به خود گرفته است.» میرمعزی با استناد به بخشی از عبارت شهید صدر معتقد است از نظر وی اسلام الگوی رفتاری ثابت (نظام) ندارد:

«بدیهی است که عمل تولید، در حال تطور و تحول اساسی و دائم است... همچنانکه نظام اجتماعی که روابط افراد را با یکدیگر تحدید می‌نماید... شکل ثابتی را در تاریخ

انسانی به خود نگرفته است بلکه به اختلاف ظروف و تغییر آنها، رنگ‌های مختلف به خود گرفته است.»

باتوجه به این عبارت، میرمعزی معتقد است از نظر صدر «در نگاه اسلام الگوی رفتاری که روابط بین مردم را تحدید کند، در طول تاریخ شکل ثابت و جهان شمولی ندارد. از همین رو او فقط قائل به «مذهب اقتصادی» است و از این رو در کتاب خود، هیچ بابی را برای بحث از نظام اقتصادی اسلام نگشوده است.» (ص. ۱۱-۱۲)

بدین ترتیب، میرمعزی در تقابل با دیدگاه میرباقری بر این باور است که نه تنها «نظام» معنایی متفاوت از «مذهب» دارد، بلکه شهید صدر اساساً به وجود «نظام اسلامی» به آن معنا قائل نیست. وی در ادامه مقاله خود، با استناد به قوانین ثابت اسلامی می‌کوشد تا نشان دهد اسلام حاوی الگوهای رفتاری ثابتی است که میتوان آنها را به مثابه «نظام اجتماعی» در نظر گرفت و بدین طریق ادعای منتسب به شهید صدر را به چالش می‌کشد.

۶-۲-۵. مقایسه دیدگاه میرمعزی با نظریه شهید صدر

میرمعزی از سویی «نظام» را به‌عنوان الگوی رفتاری ثابت تعبیر می‌کند و از سوی دیگر معتقد است شهید صدر (۱۳۹۳) «نظام اجتماعی» را منحصر به الگوهای رفتاری متغیر می‌پندارد. این در حالی است که نقل قول مقاله در این باره ناقص است و عبارت مهمی از ایشان - که دلالت بر امکان ثبات نظام دارد - نادیده انگاشته شده است:

یک نظام اجتماعی می‌تواند وجود و شایستگی خود را در گذر زمان حفظ نماید، هرچند شکل تولید دچار تغییرات فراوانی گردد (صدر، ۱۳۹۳ ب، ص. ۳۸۷).

این سخن آشکار می‌سازد که شهید صدر آنگاه که از تغییرپذیری دائمی نظام‌ها سخن می‌راند، در مقام بیان و نقد نظریه مارکسیستی است که تحول نظام‌های اجتماعی را در گرو دگرگونی ابزار تولید می‌داند، نه آنکه بخواهد دیدگاه خود را درباره ماهیت نظام اجتماعی بیان کند.

سرانجام، اگر با نگاه میرمعزی (تباین مفهومی «نظام» و «مذهب») پیش رویم، بسیاری از تعابیر شهید صدر که این دو واژه را به جای یکدیگر به کار برده‌اند، از امکان تفسیر معقول بازمی‌ماند.

۷-۲-۵. دیدگاه ملک زاده

ملک‌زاده (۱۳۹۸) بر این باور است که مفهوم «نظام» در اندیشه‌ی نظری شهید صدر جایگاهی محوری دارد و تمایز میان «مذهب» و «نظام» را می‌توان این‌گونه تبیین کرد (ملک‌زاده، ۱۳۹۸)

مذهب به مثابه‌ی روشی جامع و مجموعه‌ای از اندیشه‌های بنیادین و مبانی کلان گفتمانی است که نظام آنها را در قالب قوانین و مقررات عملیاتی می‌سازد. در این چارچوب، اگرچه برخی صاحب‌نظران «مکتب» (یا مذهب) و «نظام» را دو مفهوم مستقل از یکدیگر می‌دانند، این دو اصطلاح در واقع دو روی یک سکه‌اند: مذهب وجه اجمالی و کلی‌تر را نمایندگی می‌کند، حال آن‌که نظام وجه تفصیلی و کاربردی آن را به نمایش می‌گذارد. بر این اساس، نظام اجتماعی مسئولیت سامان‌دهی و نظم‌بخشی به حیات جمعی را بر عهده دارد.

۸-۲-۵. مقایسه دیدگاه ملک زاده با نظریه شهید صدر

۱. برداشت از «نظام» به مثابه موجودیتی که مسئولیت سامان‌بخشی به حیات اجتماعی را بر عهده دارد، مستقیماً به آرای شهید صدر استناد دارد. این نگاه در آثار ایشان به وضوح قابل ردیابی است.

۲. شهید صدر در تعریف «مذهب اجتماعی» بر جنبه کاربردی آن تأکید دارد و آن را به‌عنوان «روش ترجیحی جامعه در مواجهه با مسائل عملی» معرفی می‌کند. بر این اساس تقلیل مذهب به صرف گزاره‌های نظری بنیادین و مبانی کلان گفتمانی و محدود کردن نظام به جنبه عملی آموزه‌های اقتصادی اسلام با تعریف ایشان از مذهب اجتماعی ناهمخوانی آشکار دارد.

۳. در تحلیل متون شهید صدر باید توجه داشت که تفکیک مذهب و نظام بر اساس معیار «اجمال و تفصیل» فاقد مستندات متنی در آثار ایشان است. همچنین تفاوت بنیادین وجود دارد بین تلقی مذهب به‌عنوان گزاره‌های بنیادین و نظام به‌عنوان وجه عملی آنها با تفکیک بر مبنای اجمال و تفصیل.

۵-۳. تحلیل مفهومی نظام‌سازی و ارائه دیدگاه منتخب از نظریه شهید صدر

براساس گام سوم روش تحلیل مفهومی تقلیل‌گرا، در این بخش به واکاوی سه برداشت از مفهوم نظام‌سازی در میان شارحان اندیشه شهید صدر پرداخته و در نهایت دیدگاه منتخب از نظریه ایشان را ارائه خواهیم داد. برداشت‌های موجود از مفهوم نظام و نظام‌سازی عبارت بودند از:

۱. نظام به مثابه مجموعه نظری اسلام

۲. نظام به مثابه مذهب اجتماعی

۳. نظام به مثابه الگوی روابط اجتماعی

با استناد به متون اصلی شهید صدر، استدلال می‌کنیم که برداشت سوم (الگوی روابط اجتماعی) با دیدگاه ایشان انطباق کامل دارد.

۵-۳-۱. نقد برداشت نخست (مجموعه نظری)

اگرچه شهید صدر در تحلیل‌های خود به تبیین روابط طولی و عرضی گزاره‌های معرفتی در قالب یک مجموعه ساختمان منسجم نظری پرداخته است، اما هرگز این ساختمان نظری را تحت عنوان «نظام» معرفی نکرده‌اند. به تعبیر دقیق‌تر، ایشان این بحث را صرفاً به‌عنوان پیش‌درآمدی برای ورود به مباحث مذهب و نظام اجتماعی و بیان جایگاه این مفاهیم در ساختمان مطرح کرده‌اند.

۵-۳-۲. نقد برداشت دوم (مذهب اجتماعی)

همچنان که در ادامه به تفصیل خواهیم دید، نظام اجتماعی را نمی‌توان مترادف مذهب اجتماعی دانست، بلکه نسبت میان آنها عموم و خصوص مطلق است. مواردی که شهید صدر این دو مفهوم را به جای یکدیگر به کار برده‌اند، ناظر به موارد انطباق مصداقی بوده است، نه وحدت مفهومی.

۵-۳-۳. تبیین برداشت سوم (الگوی روابط اجتماعی)

شهید صدر حیات اجتماعی انسان را در دو ساحت متمایز تحلیل می‌کند:

۱. رابطه انسان با طبیعت و اشیاء

۲. رابطه انسان با هم‌نوعان

از نظر شهید صدر (۱۴۱۷) رابطه انسان با هم نوعان، همان مفهوم نظام اجتماعی است. دو ساحت مذکور در حوزه اقتصاد به ترتیب در قالب فرآیندهای تولید و توزیع عنوان‌گذاری شده‌اند. به نحوی که شیوه‌های تولید، دستاورد حوزه کار انسان با طبیعت و شیوه‌های توزیع دستاورد حوزه رابطه انسان با هم نوعان خود است. شهید صدر معتقد است برخلاف نگاه مارکسیستی، اسلام دو حوزه مستقل برای این دو فعالیت انسان قائل است و نظام‌های اجتماعی مقوله‌ای مستقل از شیوه‌های تولید است؛ بر این اساس، یک نظام اجتماعی می‌تواند با حفظ کارآمدی، در طول زمان تداوم یابد، حتی اگر شیوه‌های تولید دچار تحولات اساسی شوند. (الصدر، ۱۴۱۷، ص. ۳۲۵) چراکه نیازهای خود انسان منشأ پیدایش شکل‌های مختلف زندگی اجتماعی آن است؛ زیرا انسان نیروی محرک تاریخ است، نه ابزار تولید.

۱-۳-۵. تمایز مفهومی مذهب و نظام

فهم تمایز مذهب و نظام در توجه به این عبارت شهید صدر نهفته است: «پس مذهب و علم هر دو در تمامی زمینه‌ها وارد می‌شوند و هم تولید و هم توزیع را مطالعه می‌کنند. ولی این بستگی، نباید موجب شود که آن دو را از یکدیگر نتوانیم متمایز کنیم و جنبه‌های علمی و مذهبی در مطالعه اقتصادی را بهم در آمیزیم.» (الصدر، ۱۴۱۷، ص. ۳۶۲)

اگرچه شهید صدر در این عبارت در پی تبیین رابطه مذهب و علم است، اما با توجه به این که نسبت مذهب با دو مقوله تولید و توزیع را مشخص نموده برای ما حائز اهمیت است. با توجه به این عبارت:

- مذهب به هر دو ساحت تولید و توزیع می‌پردازد؛ یعنی مذهب ناظر به روابط انسان با طبیعت و سایر هم نوعان است.

- ولی نظام منحصرأ ناظر به امر توزیع است؛ یعنی روابط انسان با دیگر هم نوعان.

۴-۳-۵. تعریف منتخب نظام‌سازی فقهی

با این تفسیر، مجموعه تعاریفی که از مذهب داشتیم از جمله این که مذهب «هر قاعده یا روش بنیادین حاکم بر حیات اجتماعی است که جامعه برای سامان‌بخشی به زندگی و

حل مسائل عملی خویش ترجیح می‌دهد.» قابل تعمیم به مفهوم نظام نیز هست، با این تمایز اساسی که قلمرو نظام اخص از مذهب است. بر این اساس، می‌توان نظام‌سازی را اینگونه تعریف کرد:

«نظام‌سازی فرایند کشف قواعد و روش‌های بنیادین حاکم بر حیات اجتماعی است که جامعه آنها را برای سامان‌بخشی به روابط جمعی و حل مسائل عملی خویش مرجع می‌داند. این قواعد با تعیین مناسبات و تحدید روابط حقوق و جایگاه افراد را مشخص می‌سازد.»

۵-۳-۵. ویژگی‌های نظام‌سازی

ویژگی‌های نظام‌سازی شامل موارد ذیل است:

۱. تأکید بر روش کشف از منبع دین به جای ابداع شخصی (صدر، ۱۳۹۳، ب، ج، ۲، ص. ۳۰)
۲. توجه به حیات اجتماعی انسان و قواعد ناظر به عمل (الصدر، ۱۴۱۷، ص. ۳۶۹)
۳. توجه به نظام اجتماعی به‌عنوان نیاز حقیقی انسان (صدر، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۶)
۴. تأکید بر عدالت اجتماعی به‌عنوان اصل هنجاری در تعیین قواعد بنیادین (صدر، ۱۳۹۳، ب، ۲، ص. ۱۹)
۵. تمرکز بر ارائه قواعد بنیادین در زندگی اجتماعی به جای احکام جزئی (صدر، ۱۳۹۳، ب، ج، ۲، ص. ۱۹)
۶. توجه به وجوه ثابت و متغیر در کشف قواعد بنیادین (صدر، ۱۳۹۳، ب، ۳۸۷)

۶. مقایسه تطبیقی مفاهیم حکمرانی و نظام‌سازی

با وجود خاستگاه‌های نظری و تاریخی متفاوت، مفاهیم «حکمرانی» و «نظام‌سازی فقهی» هر دو پاسخی نوین به دغدغه دیرینه «اداره امور عمومی» هستند. در دهه‌های اخیر، حکمرانی به‌مثابه آخرین پارادایم مطالعات غربی، تمرکز خود را از حکومت به فرایندهای متکثر حکومت کردن منتقل کرده است. پرسش حکمرانی، این فرصت را فراهم آورد تا در کنار شکلی ثابت از رابطه اجتماعی (سلسله مراتب)، درباره‌ی انواع تعاملات اجتماعی تأمل صورت پذیرد و اعمال اقتدار و تبعیت در انواع این تعاملات مورد مطالعه قرار گیرد.

در مقابل، نظام‌سازی فقهی نیز در بستر دانش اسلامی، با بهره‌گیری از اندیشه شهید صدر، در پی کشف قواعد بنیادینی است که حیات اجتماعی انسان را سامان می‌بخشند. تفاوت اساسی این دو رویکرد، در موضوع مورد توجه آنها نهفته است: حکمرانی بر سازوکارهای اعمال اقتدار و تبعیت در بستر تعاملات اجتماعی تأکید دارد، در حالی که نظام‌سازی فقهی در پی کشف قواعد بنیادینی است که روابط اجتماعی را تنظیم و تحدید می‌کنند.

جدول (۳): مقایسه تطبیقی مفاهیم حکمرانی و نظام‌سازی.

نظام‌سازی فقهی	حکمرانی	
نظام‌سازی فرایند کشف قواعد و روش‌های بنیادین حاکم بر حیات اجتماعی است که جامعه آنها را برای سامان‌بخشی به روابط جمعی و حل مسائل عملی خویش مرجع می‌داند. این قواعد با تعیین مناسبات و تحدید روابط حقوق و جایگاه افراد را مشخص می‌سازد.	حکمرانی، کلیه فرایندهای حکومت‌کردن بین کنشگران اجتماعی است که از طریق انواع سازوکارهای اعمال اقتدار و تبعیت برای نیل به اهداف قصد شده رقم می‌خورد	تعریف منتخب
حیات اجتماعی و رابطه انسان با هم نوعانش	فرایند حکومت کردن یا کلیه تعاملات اجتماعی	عرصه موضوعی
کشف قواعد بنیادین حاکم بر الگوی روابط اجتماعی مبتنی بر دین و عدالت	تبیین چگونگی تحقق سازوکارهای اعمال اقتدار و تبعیت بین کنشگران اجتماعی	مفهوم مقوم
تعیین مناسبات و تحدید روابط	حل مسائل اجتماعی و خلق فرصت‌های اجتماعی	کارکرد
سامان‌دهی روابط اجتماعی بر پایه اصول عدالت و هدایت دینی.	محقق نمودن اهداف قصدشده اجتماعی از طریق فرایندهای متنوع اعمال اقتدار.	غایت
استنباط فقهی و کشف قواعد هنجاری کلان	تحلیل تجربی و رویکرد مسأله‌محور	روش شناسی غالب
(۱) تأکید بر روش کشف از منبع دین به جای ابداع شخصی	(۱) تمرکز بر رویه‌های متکثر حکومت کردن به جای تمرکز بر فعل حکومت؛	ویژگی ها

حکمرانی	نظام‌سازی فقهی
(۲) تمرکز بر همه بازیگران اجتماعی به جای تمرکز صرف بر فاعل حکومت؛	(۲) توجه به حیات اجتماعی انسان و قواعد ناظر به عمل
(۳) تمرکز بر انواع الگوهای تعامل اجتماعی به جای تمرکز بر یک گونه خاص نظیر سلسله‌مراتب؛	(۳) توجه به نظام اجتماعی به‌عنوان نیاز حقیقی انسان
(۴) تمرکز بر اهداف قصد شده جمعی به جای تمرکز بر اهداف از پیش تعیین شده ابلاغی	(۴) تأکید بر عدالت اجتماعی به‌عنوان اصل هنجاری در تعیین قواعد بنیادین
	(۵) تمرکز بر ارائه قواعد بنیادین در زندگی اجتماعی به جای احکام جزئی
	(۶) توجه به وجوه ثابت و متغیر در کشف قواعد بنیادین

منبع: پژوهش حاضر

۷. دلالت‌های «حکمرانی» و «نظام‌سازی فقهی» برای ترسیم چارچوب «اداره امور عمومی اسلامی»

با تأمل در جدول شماره (۳)، روشن می‌شود که مفاهیم «حکمرانی» و «نظام‌سازی فقهی» علی‌رغم تفاوت‌های معرفتی، روش‌شناختی و تاریخی، می‌توانند به‌صورت مکمل در طراحی چارچوبی جامع برای اداره امور عمومی اسلامی ایفای نقش کنند. حکمرانی با تأکید بر چگونگی تحقق سازوکارهای اعمال اقتدار و تبعیت در میان بازیگران اجتماعی، و نظام‌سازی فقهی با تمرکز بر کشف هنجارهای بنیادین دینی و تنظیم روابط اجتماعی بر پایه عدالت، ظرفیت آن را دارند که در یک چارچوب تلفیقی، هم‌افزا عمل کنند. در این بخش، بر پایه تحلیل‌های مفهومی ارائه‌شده در بخش‌های پیشین، دلالت‌های هر یک از این دو رویکرد برای ترسیم چارچوبی اولیه از «اداره امور عمومی اسلامی» استخراج می‌شود. این چارچوب، می‌تواند نقطه آغازینی برای بازاندیشی در مبانی نظری و جهت‌گیری‌های آینده پژوهش در حوزه اداره عمومی اسلامی باشد.

۷-۱. دلالت‌های حکمرانی برای اداره امور عمومی اسلامی

۷-۱-۱. توجه به پدیده اقتدار منتشر

یکی از مهم‌ترین دلالت‌های مفهوم حکمرانی نوین، توجه به پدیده «اقتدار منتشر» است. این مفهوم در واکنش به فروکاهیدن اقتدار سنتی دولت‌ها شکل گرفت؛ اقتداری که در گذشته عمدتاً در چارچوب دولت‌ملت‌های متمرکز تعریف می‌شد. در چند دهه اخیر، با پیچیده‌تر شدن ساختار جوامع و افزایش قدرت نهادهای غیردولتی، شاهد انتقال ظرفیت‌های تصمیم‌گیری و اجرایی دولت‌ها به سایر بازیگران اجتماعی بوده‌ایم؛ این انتقال در سه سطح رخ داده است:

- رو به پایین: واگذاری اختیارات به نهادهای محلی و بخش خصوصی؛
- رو به بیرون: مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای مدنی در فرآیندهای عمومی؛

- رو به بالا: ارتقاء نقش ساختارهای فراملی در خط‌مشی‌گذاری (Rhodes, 1997, p. 47).

در نتیجه این تحولات، سازوکارهای اعمال اقتدار دچار دگردیسی شده و مفهوم حکومت به‌عنوان کانون انحصاری قدرت، جای خود را به شبکه‌ای از بازیگران متکثر داده است. با این حال، رویکرد متداول نظام‌سازی فقهی، عمدتاً با تکیه بر انگاره‌های سنتی از «حاکمیت متمرکز»، همچنان حکومت را به‌مثابه ساختاری مقتدر و یگانه تلقی می‌کند؛ اگرچه بصیرت‌هایی اولیه‌ای در آثار شهید صدر ناظر به اجتماعی دیدن امر قدرت دیده می‌شود. دلالت مهم حکمرانی در این زمینه، دعوت به بازاندیشی در هستی‌شناسی قدرت و بازتعریف جایگاه حکومت در میان سایر کنشگران اجتماعی است. این نگاه، می‌تواند چشم‌اندازی تازه برای تحلیل ساختار قدرت در جامعه اسلامی فراهم آورد و امکان طراحی نظاماتی را فراهم سازد که به‌جای تمرکزگرایی، بر همکاری، هم‌افزایی و توزیع اقتدار استوار باشند.

۷-۱-۲. توجه به مقوله تحقق در برابر مقوله باید

در منظومه فقه سنتی، فقه به‌عنوان «علم احکام الهی مربوط به افعال مکلفین از طریق ادله تفصیلی» تعریف می‌شود و غایت آن، استنباط «بایدها و نبایدها» برای کنش‌های انسانی

است. بر این اساس، رویکرد نظام‌سازی فقهی نیز مکلف را در دو سطح تحلیل می‌کند: ۱. مکلف خُرد: فرد انسان؛ ۲. مکلف کلان: جامعه یا حکومت به مثابه یک کل اجتماعی. در چارچوب فقه اجتماعی (یا فقه کلان)، استنباط احکام رفتاری حکومت‌ها، در قالب قواعد الزام‌آور و بایدهای شرعی انجام می‌گیرد. به تعبیر دیگر، دانش نظام‌سازی فقهی، واجد رویکردی استنباطی و هنجاری است که بر «چه باید کرد؟» تمرکز دارد و سازوکارهای هدایت اجتماعی را در قالب احکام تکلیفی سامان می‌دهد (اراکي، ۱۳۹۷، ص. ۱۱). البته این نقد به رویکردهای متداول نظام‌سازی فقهی وارد است و رویکرد اولیه شهید صدر ناظر به کشف الگوی روابط اجتماعی بوده است.

در نقطه مقابل، یکی از دلالت‌های بنیادین حکمرانی، توجه به امر تحقق است. در این رویکرد، صرف صدور احکام و طراحی گزاره‌های هنجاری، تضمینی برای تحقق آنها در ساحت اجتماعی نیست. از منظر حکمرانی، دانش اداره امور عمومی باید به پرسش «چگونه تحقق می‌یابد؟» نیز پاسخ دهد؛ پرسشی که در دل آن، پیچیدگی‌های محیط اجتماعی، تکرر بازیگران و پویایی کنش‌های متقابل نهفته است. بر این اساس، دلالت حکمرانی برای رویکرد نظام‌سازی فقهی، لزوم تکمیل رویکرد «بایده‌محور» با توجه به «ساحت تحقق» است. تنها در چنین صورتی می‌توان از گزاره‌های دینی، سازوکارهایی برای هدایت اجتماعی مؤثر و قابل اجرا استخراج کرد.

۳-۱-۷. توجه به حلّ مسأله در برابر صدور حکم

در رویکرد حکمرانی، تمرکز اصلی بر چگونگی تحقق فرایند اعمال اقتدار در جامعه است. این رویکرد به جای صرف قضاوت درباره امور و صدور حکم، بر حل مسأله و تغییر موقعیت‌های اجتماعی تأکید دارد (Bevir, 2012, p. 28). در نقطه مقابل، نظام‌سازی فقهی به‌طور سنتی بر محور استنباط حکم شرعی و صدور قضاوت درباره افعال مکلف اجتماعی (اعم از فرد یا دولت) استوار است. هرچند صدور حکم در بسیاری از موارد ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، اما این پرسش مطرح است که آیا رویکرد محوری در حکومت‌داری باید قضاوت باشد یا هدایت تحولات اجتماعی و حل مسائل پیچیده؟

۴-۱-۷. توجه به وسایل در کنار اهداف

از دیگر دلالت‌های کلیدی حکمرانی، تأکید بر تناسب میان وسایل و اهداف است. برخلاف برخی رویکردهای سنتی که تحقق اهداف را صرفاً از یک مسیر خاص (نظیر دستور و قانون‌گذاری) دنبال می‌کنند، حکمرانی تأکید دارد که برای دستیابی به هر هدف، سازوکارهای متنوع و متناسبی وجود دارد و باید بسته به موقعیت، ابزار مناسب را انتخاب کرد. برای نمونه، در برخی موارد مانند اجرای قوانین امنیتی یا حفظ نظم عمومی، سازوکارهای سلسله‌مراتبی و دستوری مؤثرترند؛ اما در موارد دیگر، به‌ویژه آنجا که ارزش‌های اجتماعی در درون بافت‌های فرهنگی و خودتنظیم‌گر جامعه شکل گرفته‌اند، استفاده از همان سازوکارها ممکن است مقاومت اجتماعی ایجاد کند و حتی نتیجه معکوس دهد. بر این اساس، یکی از دلالت‌های مهم حکمرانی برای اداره امور عمومی اسلامی آن است که صرف تعیین اهداف و ارزش‌ها کافی نیست؛ بلکه واکاوی دقیق و انتخاب هوشمندانه ابزارها و سازوکارهای متناسب با آن اهداف نیز ضرورتی انکارناپذیر است.

۵-۱-۷. توجه به رویکرد تدریجی در برابر رویکرد دفعی

یکی از دلالت‌های مهم حکمرانی برای اداره امور عمومی اسلامی، تأکید بر فرایند تدریجی در تحقق اهداف اجتماعی است. از آنجا که حکمرانی مبتنی بر تحلیل تعاملات واقعی میان کنشگران متکثر اجتماعی است، دستیابی به اهداف مطلوب، نه از مسیر اعمال اراده‌ی آنی، بلکه از طریق فرآیندهای تدریجی، مشارکتی و زمان‌بر حاصل می‌شود. در این رویکرد، مشارکت نهادها، جامعه مدنی و حتی کنشگران فردی، برای تحقق تغییرات اجتماعی ضروری دانسته می‌شود.

در نقطه مقابل، رویکرد نظام‌سازی فقهی به دلیل تمرکز بر استنباط حکم شرعی، عمدتاً به صورت گزاره‌محور به مسائل می‌نگرد و تطورات پدیده را موردنظر قرار نمی‌دهد. دلالت حکمرانی در اینجا، دعوت به بازنگری در نحوه مواجهه با اهداف اجتماعی از منظر فقهی است؛ به این معنا که دستیابی به مقاصد، مستلزم رویکردی تدریجی، پویا و مشارکتی است که بتواند واقعیت‌های میدانی و پیچیدگی‌های تحقق را در نظر بگیرد. این نگاه می‌تواند حتی در شیوه‌های استنباط فقهی نیز مؤثر باشد.

۶-۱-۷. توجه به روش تجربی تعاملی در کنار روش استنباطی

از دیگر دلالت‌های مهم حکمرانی، تأکید بر روش‌شناسی تجربی و تعاملی در تحلیل و طراحی الگوهای اداره عمومی است. تعاملات اجتماعی در میدان واقع، حاصل کنش و واکنش میان بازیگرانی با منافع، منابع و قدرت‌های گوناگون است. در چنین بستری، شناخت تجربی از روابط و ساختارهای واقعی ضروری است تا بتوان سازوکارهای اعمال اقتدار را به‌درستی طراحی و ارزیابی کرد. عدم توجه به این رویکرد ممکن است به نادیده‌گرفتن پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های واقعی در روابط اجتماعی بینجامد. بنابراین، یکی از دلالت‌های روش‌شناختی حکمرانی برای نظام‌سازی، ترکیب روش تجربی با روش استنباطی است؛ رویکردی که شناخت واقعیات عینی جامعه را با تحلیل گزاره‌های دینی در هم می‌آمیزد و به طراحی چارچوب‌هایی واقع‌گرا، قابل تحقق و مؤثر در هدایت اجتماعی منجر می‌شود.

۷-۲. دلالت‌های نظام‌سازی برای اداره امور عمومی اسلامی

۷-۲-۱. کشف محوری به جای ابداع محوری در نظام‌سازی

یکی از دلالت‌های اساسی نظام‌سازی فقهی، تأکید بر کشف قواعد حاکم بر روابط اجتماعی از منابع دینی است، نه ابداع یا طراحی نظریه‌های خودبنیاد بشری. این نگاه، ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و معتقد است اصولی چون عدالت، توحید و کرامت انسان قواعدی ثابت و کشفی‌اند که سامان‌دهی اجتماعی باید بر آنها استوار باشد. چنین رویکردی، زمینه‌ساز اداره‌ای معناگرا و متصل به حقیقت هستی خواهد بود، نه صرفاً تکنیکی و نسبی‌گرا.

۷-۲-۲. قواعد کلان هنجاری به‌عنوان راهنمای حرکت در تنظیم اجتماعی

در نظام‌سازی فقهی، عدالت اجتماعی نه تنها یک ارزش اخلاقی، بلکه معیار بنیادین برای تنظیم روابط اجتماعی است. این اصل، مبنای شکل‌گیری ساختارهای حقوقی، اقتصادی و سیاسی در جامعه اسلامی قرار می‌گیرد. در مقابل، در ادبیات حکمرانی، مفاهیمی همچون اثربخشی سیاسی، شفافیت، پاسخ‌گویی و ارزش‌های دموکراتیک محور سامان‌دهی تعاملات اجتماعی قرار دارند (Bevir, 2012, p. 12). گرچه این مفاهیم کارکردگرا هستند، اما نمی‌توانند به‌تنهایی جایگزین معیارهای ارزشی و هنجاری در جامعه

اسلامی شوند. بنابراین، دلالت ارزشی نظام‌سازی فقهی آن است که عدالت، به‌عنوان غایت و معیار اصلی، باید راهنمای طراحی و اجرای سیاست‌ها در اداره امور عمومی باشد. چنین نگاهی، اداره جامعه را از سطح «کارآمدی صرف» به سطحی معناگرا، جهت‌مند و مسئول در برابر انسان و خدا ارتقاء می‌دهد.

۷-۲-۳. استنباط قواعد بنیادین در روش‌شناسی تولید دانش اجتماعی

یکی از ویژگی‌های متمایز نظام‌سازی فقهی، رویکرد خاص آن در تولید دانش اجتماعی است. در این روش، به‌جای تکیه بر تحلیل‌های صرفاً تجربی یا روش‌های اثبات‌گرایانه، استنباط قواعد بنیادین از منابع دینی مبنای طراحی الگوهای رفتاری و نهادی قرار می‌گیرد. این قواعد، برخاسته از اصول شریعت و برآمده از درک جامع از نیازهای انسان در چارچوب الهی هستند و می‌توانند مبنا در اداره امور عمومی اسلامی باشند.

۷-۲-۴. محوریت ولی جامعه در هدایت قدرت و حفظ انسجام اجتماعی

در شرایطی که حکمرانی نوین با تکرر بازیگران و توزیع قدرت مواجه است، خطر واگرایی و تضعیف انسجام سیاسی افزایش می‌یابد. نظام‌سازی فقهی با معرفی ولی جامعه به‌عنوان هادی و محور قدرت مشروع، الگویی ارائه می‌دهد که هم تکرر را به رسمیت می‌شناسد و هم هدایت‌پذیری جامعه را حفظ می‌کند. این تمرکز هستی‌شناختی بر یک نهاد هادی، پاسخی مؤثر به بحران هویت و پراکندگی در ساخت قدرت مدرن محسوب می‌شود.

۷-۲-۵. نظام اجتماعی به‌مثابه پاسخ به نیاز فطری انسان

در اندیشه نظام‌سازی فقهی، به‌ویژه با الهام از نظریات شهید صدر، نظام اجتماعی صرفاً یک ساختار قراردادی نیست، بلکه پاسخی ضروری به نیاز فطری انسان برای هدایت، نظم و عدالت در زندگی جمعی است. این رویکرد بر این باور است که نیاز به نظام، ریشه در ساختار وجودی و اجتماعی انسان دارد. بر این اساس، سامان‌دهی حیات اجتماعی در چارچوب نظام‌سازی دینی ضرورتی وجودی برای تحقق رشد فردی، عدالت اجتماعی و هدایت الهی است. این دلالت، می‌تواند در بازتعریف هدف و غایت نهادهای

اجتماعی در اداره امور عمومی اسلامی نقشی بنیادین ایفا کند؛ چراکه نظام در این تلقی، فقط وسیله نیست، بلکه بخشی از پاسخ الهی به نیازهای فطری بشر است.

۶-۲-۷. توجه به حقایق ثابت در کنار امور متغیر

نظام‌سازی فقهی بر ترکیب اصول ثابت و متغیر در سامان‌دهی جامعه تأکید دارد؛ به گونه‌ای که ثبات هویتی و پویایی در پاسخ به تحولات را هم‌زمان حفظ می‌کند. پای‌بندی حکمرانی به اصول ثابت (همچون عدالت، توحید یا خانواده) می‌تواند راهی برای رهایی از نسبی‌گرایی و تکثرگرایی بی‌ضابطه باشد. برای نمونه، در طراحی روابط اجتماعی، نهاد خانواده همواره اصل و محور تلقی می‌شود و سایر نهادها باید در هماهنگی با آن تعریف شوند.

جدول (۴): دلالت‌های مکمل حکمرانی و نظام‌سازی فقهی برای طراحی چارچوب اداره امور

عمومی اسلامی

محور تحلیلی	دلالت‌های برگرفته از نظام‌سازی فقهی	دلالت‌های برگرفته از حکمرانی
۱. هستی‌شناسی قدرت	محوریت ولی جامعه در هدایت اجتماعی	توجه به اقتدار منتشر میان بازیگران اجتماعی
۲. نسبت امر ذهنی و واقعی	کشف‌محوری به جای ابداع نظریه‌های خودبنیاد	توجه به امر تحقق در برابر صرف «باید»
۳. ابزارهای تحقق اهداف	حقایق ثابت در کنار متغیرات برای حفظ ثبات و پویایی	توجه به وسایل متنوع متناسب با هدف
۴. کارکرد اجتماعی	نظام اجتماعی به مثابه پاسخ به نیاز فطری انسان	حل مسأله در برابر صرف صدور حکم
۵. فرآیند تحول اجتماعی	قواعد کلان هنجاری به عنوان راهنمای حرکت در تنظیم اجتماعی	رویکرد تدریجی در تحقق اهداف
۶. روش‌شناسی تولید دانش	استنباط قواعد بنیادین از منابع دینی	روش تجربی-تعاملی

منبع: پژوهش حاضر

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف تحلیل مفهومی مفاهیم «حکمرانی» و «نظام‌سازی فقهی»، تلاش کرد زمینه‌های هم‌افزایی این دو رویکرد را در طراحی چارچوب اداره امور عمومی اسلامی نشان دهد. تحلیل تطبیقی مفاهیم و دلالت‌های آنها نشان داد که با وجود تفاوت‌های بنیادین در مبانی معرفتی، روش‌شناسی و رویکرد به قدرت، هر یک از این دو رویکرد، ظرفیت‌هایی دارند که می‌تواند کاستی‌های دیگری را جبران کند. دلالت‌های حکمرانی بر مؤلفه‌هایی همچون تحقق، روش تجربی، اقتدار منتشر، و تدریج در تحول اجتماعی تأکید دارند، در حالی که دلالت‌های نظام‌سازی بر اصولی مانند کشف‌محوری، محوریت ولی، عدالت، قواعد کلان تحول و روش استنباطی از منابع دینی استوارند. جمع این دلالت‌ها، چارچوبی را ترسیم می‌کند که می‌تواند هم به واقعیت اجتماعی پاسخ دهد و هم بر پایه‌های هویتی و الهی استوار باشد. این چارچوب تلفیقی، می‌تواند مبنای تولید چارچوب کلی اداره امور عمومی اسلامی باشد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با تمرکز بر اعتبارسنجی دلالت‌های هر یک از این مطالعات از منظر دیگری برای اداره امور عمومی اسلامی ظرفیت‌های چارچوب طراحی شده برای اداره امور عموم اسلامی را ارتقاء دهند.

یادداشت‌ها

1. Governance
2. Public administration
3. Woodrow Wilson

۴. مطالعات حکمرانی با طرح سه گونه ایده‌آل حکمرانی سلسله مراتب، بازار و شبکه و گونه‌های ترکیبی آن، ادعا می‌کند که بازیگران حکمرانی (دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی/مردم) و انواع شیوه‌های حکمرانی را که در پارادیم‌های پیشین (نظیر اداره سنتی، مدیریت دولتی نوین و ...) مورد تأکید قرار می‌گرفت، در نظریه خود تعبیه نموده است. (Meuleman, 2010, p. 19)

همچنین مطالعات نظام‌سازی مدعی است آنچه در «فقه فردی» به عنوان «علم به احکام الهی متعلق به افعال مکلفین فردی» مورد مطالعه قرار می‌گیرد (اراکي، ۱۳۹۳، ص. ۱۳) و یا آنچه در «فقه موضوعات» حتی در عرصه حکومتی و اجتماعی پرداخته می‌شود فاقد نگاه سیستمی هستند؛ در حالی که در رویکرد نظام‌سازی آنچه پیش روی ماست یک سیستم و مجموعه

به هم پیوسته است؛ به نحوی که علاوه بر رویکرد فقه فردی برای کشف احکام متعلق موضوعات جزئی، نیازمند فقه نظام نیز هستیم. (میرباقری، ۱۳۹۶، ص. ۵۶) پس رویکرد نظام‌سازی فقهی چیزی فرای رویکرد فقه فردی و فقه موضوعات است. ۵. باید اذعان نمود، این تشتت و سردرگمی در مطالعات حکمرانی در دنیا، به نحو مضاعفی در کشور ما رو به تزايد داشته است.

6. buzzword

7. Meaningless

8. Tautology

۹. جواد فاضل لنکرانی: «ما این مقدار که در فقه کار کردیم چیزی به نام نظام نداریم، نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام قضایی، نباید این عنوان چشم و گوش ما را پر کند که بگوئیم اسلام نظام دارد، نه، اسلام در هر زمینه‌ای احکام جزئی دارد، قواعد دارد، اما بگوئیم حالا نظام آقایانی که قائل هستند که ما نظام اقتصادی داریم، می‌گویم هر موضوعی در نظام اقتصادی با هم ارتباط تنگاتنگ دارد، در نظام اقتصادی موضوعات را منفرداً و مستقلاً نمی‌شود دید، در فقه فردی هر موضوع مستقلاً را فقیه استنباط می‌کند ولی در اقتصاد باید همه موضوعات را با هم و در کنار هم، و چیزهای عجیبی آدم در این مقالات می‌بیند. من نمی‌خواهم از زحماتی که یک فقیهی مثل شهید صدر رضوان الله علیه کشیده نادیده بگیرم ولی اینکه ما بیائیم امروز بگوئیم برای پاسخ به نیازهای روز کنار فقه موجود که آقایان اسمش را فقه موضوعی می‌گذارند، فقه فردی، فقه فردنگر، یک عناوین این چنینی را بار فقه بیچاره ما می‌کنند بعد می‌گویند یک فقهی داریم به نام فقه نظامات، بعد می‌آیند کنار این می‌گویند اگر بخواهیم امروز بر همه شئون بشر تسلط پیدا کنیم تا این فقه نظام را استخراج نکنیم نمی‌توانیم. ما اگر بخواهیم شئون فرهنگی، شئون اقتصادی، شئون سیاسی، تمام را، اسلام و به قول خودشان لون دینی بخواهیم به آن بدهیم، باید نظام را استخراج کنیم.»

10. Conceptual analysis

11. Detection Method

12. Reductive Conceptual Analysis

13. Constructive Method

14. Typology

۱۵. بهره‌مندی از راهبرد پژوهشی گونه‌شناسی و مرکز-پیرامونی در ذیل روش تحلیل مفهومی تقلیل‌گرا از ابداعات روشی این پژوهش است.

16. To steer or pilot a ship, direct as a pilot

17. Direct

18. Guide

19. Rule

20. Steer

۲۱. نشریه Public Administration Review (PAR) یکی از معتبرترین و پرنفوذترین نشریات

علمی در حوزه مدیریت عمومی و سیاست‌گذاری عمومی در سطح جهان است. این نشریه در سال ۱۹۴۰ تأسیس شد.

22. Ordered rule

23. The general exercise of authority

24. the governance of England

به زعم برخی، این رساله به عنوان بیان تفاوت سلطنت مطلقه و محدود شناخته می‌شود.

25. Good government

۲۶. مانند آمریکا

27. Infrastructure projects

28. Public policy reform

29. Structural adjustment

30. Good (or positive) government

31. Effective governing

32. Beyond government

33. Instrumental view

34. Not government

35. Institutional view

36. The activity of governing

37. consultation

38. deliberation

۳۹. اعم از این که مشروعیت حاکم چیست؟

۴۰. تکالیف و حقوق فرد حکومت شونده چیست؟

۴۱. صرف نظر از کیفیت آن اعم از این که این کیفیت بالا به پایین (سلسله مراتبی) باشد یا مبتنی بر سازوکار بازار یا شبکه

۴۲. کل خیطینظم به لؤلؤ او غیره فهو نظام

۴۳. الهدیه و السیره

۴۴. و لیس لأمرهم نظام

۴۵. ای لیس له هدی و لا متعلق يتعلق به

۴۶. شهید صدر این عبارت را در خصوص مذهب اقتصادی به کار برده‌اند؛ اما قابلیت تعمیم این مفهوم به مذهب اجتماعی نیز وجود دارد.

۴۷. واژه المدرسه و المذهب هر دو در ادبیات فارسی به مکتب ترجمه شده در حالی که این ترجمه تنها برای المدرسه صدق می‌کند. (صدر، ۱۳۹۳، ج. ۲، ص. ۹؛ صدر، ۱۳۹۳، الف، ص. ۲۷۳)

کتابنامه

آقائظری، حسن؛ توکلی، محمدجواد و بیدار، محمد (۱۳۹۷). معناشناسی مکتب، نظام و علم در ادبیات اقتصاد اسلامی. معرفت/اقتصاد اسلامی. ۱۹ (۱۰). ۲۵-۴۶.

اراکي، محسن (۱۳۹۳). فقه نظام سیاسی اسلام: جهان بینی سیاسی. تهران: دفتر نشر معارف.
اراکي، محسن (۱۳۹۵). شهید صدر بحث فقه نظام را برای اولین بار مطرح کرد. خبرگزاری مهر، برگرفته از: <https://www.mehrnews.com/news/3597528>

اراکي، محسن (۱۳۹۷). درس خارج فقه نظام خانواده: جلسه اول.
هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۹۴). رویکرد نظام‌مند به مدیریت اسلامی. به نقل از نقطه‌های آغاز در مدیریت اسلامی. به اهتمام علیرضا چیت‌سازیان و مرتضی جوانعلی آذر. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

حکیم، سیدمنذر (۱۳۹۸). پایگاه خبری تحلیلی مفتاح. برگرفته از <https://ihkn.ir/>
دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵). روش شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا. روش شناسی علوم اجتماعی. ۲۲ (۸۶). ۳۹-۷۱.

دانگ، لیشنگ (۱۳۹۷). نظریه‌های اداره امور عمومی: عقلانیت ابزاری و ارزشی. (مترجم حسن دانایی‌فرد). تهران: کتاب مهربان نشر.
صدر، محمدباقر (۱۳۹۳ الف). اسلام راهبر زندگی مکتب اسلام رسالت ما. (مترجم مهدی زندیه، قم: دارالصدر.

صدر، محمدباقر (۱۳۹۳ ب). اقتصاد ما (۲ ج). ترجمه‌ی سیدابولقاسم ژرفا و مهدی برهانی، قم: دارالصدر

صدر، محمدباقر (۱۳۹۳ ج). بارقه‌ها. (مترجم امید مودنی). قم: دارالصدر.

عمید، حسن (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.

فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۷). آیت‌الله فاضل لنکرانی: متون قضایی موجود در فقه در باب قضاوت کافی نیست. پایگاه اطلاع رسانی حوزه برگرفته از

<https://hawzah.net/fa/News/View/107997>

فیاضی، مسعود و محمدی، روح‌الله (۱۴۰۱). فقه نظام از رهگذر بررسی نظرات گوناگون و تبیین رابطه آن با علوم انسانی اسلامی. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: حقوق اسلامی. ۱۹ (۷۴).

ملک زاده، محمدحسین (۱۳۹۸). جلسات تدریس نظام‌سازی اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۶). درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی. قم: تمدن نوین اسلامی.

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۹). روش کشف نظام اقتصادی اسلامی (رابطه فقه و نظام). فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق. ۱۱-۱۲ (۶). ۸۷-۱۱۲.

نوری، روح‌الله (۱۳۹۲). مبانی مدیریت دولتی (نظریه‌های دولت و اداره امور عمومی در ایران). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۱). نگرش سیستمی به دین. مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

میرباقری، محمد مهدی؛ عبدالحی، یحیی و نوروزی، حسن (۱۳۹۵). شورای عالی انقلاب فرهنگی: راهبرد فرهنگ. شماره سی و ششم.

الصدر، محمدباقر (۱۴۱۷). اقتصادنا (مکتب الإعلام الإسلامی - فرع خراسان). قم: مکتب الإعلام الإسلامی. مرکز النشر.

الصدر، محمدباقر (بی‌تا). المدرسه الاسلامیه (۱) الإنسان المعاصر و مشکله الاجتماعیه (طبع قدیم).

الصدر، محمدباقر (۱۳۸۴). المدرسه الاسلامیه (۲) ماذا تعرف عن الاقتصاد الإسلامی؟ (طبع قدیم). نجف اشرف - عراق: مطبعة النعمان.

الصدر، محمدباقر (۱۴۳۴). موسوعة الإمام الشهيد السيد محمد باقر الصدر قدس سره. ۲۱ ج. قم - ایران: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر. دار الصدر.

الفراهیدی، الخلیل بن احمد (۱۴۲۴). کتاب العین مرتباً علی حروف المعجم. بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیه.

منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. دارصادر: دار بیروت.

Ansell, C., & Torfing, J. (2022). *Handbook on Theories of Governance* (2nd ed.). Edward Elgar Publishing

- Bevir, M. (2012). *Governance: A Very Short Introduction*. Oxford University Press.
- Collier, D., Laporte, J., & Seawright, J. (2009). *Typologies: Forming concepts and creating categorical variables*. In J. M. Box-Steffensmeier, H. E. Brady, & D. Collier (Eds.), *The Oxford handbook of political methodology* (online edn.). Oxford Academic.
- Dollar, D., & Svensson, J. (2000). What explains the success or failure of structural adjustment programmes? *Economic Journal*. 110 (October), 894-917.
- Henry, N. (2007). *Public administration and public affairs*. Pearson/Prentice Hall.
- Jessop, B. (2003). *Governance, governance failure and metagovernance*. Università della Calabria, Arcavacata di Rende: International Seminar.
- Kosterec, M. (2016). Methods of conceptual analysis. *Filozofia*. 71 (3). 220-230.
- Laurence, S., & Margolis, E. (2003). *Concepts and conceptual analysis*. Philosophy and Phenomenological Research. 67. 253-282.
- Lynn, L. E., Jr. (2010). *Governance*. Foundations of Public Administration. American Society for Public Administration (ASPA).
- Merriam-Webster. (n.d.). Governance. In Merriam-Webster.com dictionary. Retrieved September 18, 2024. from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/governance>
- Meuleman, L. (2010). *Public management and the metagovernance of hierarchies, networks and markets: The feasibility of designing and managing governance style combinations*. Heidelberg: Physica-Verl.
- Peters, G. (2000). *Globalization, institutions, and governance*. In G. Peters & D. Savoie (Eds.). *Governance in the twenty-first century: Revitalizing the public service* (pp. 29-57). McGill-Queen's University Press.
- Pierre, J., & Peters, B. G. (2022). *Advanced introduction to governance*. Edward Elgar Publishing.
- Princeton University. (2006). *Concise English dictionary*. Princeton University.
- Rhodes, R. A. W. (1997). *Understanding governance: Policy networks, governance, reflexivity and accountability*. Open University Press.
- Stoker, G. (1998). Governance as theory: *Five propositions*. 50 (155). 17-28.
- Thompson, E. M. (1886). Untitled review. *The English Historical Review*. 1 (3). 568-574.
- USAID. (2008). *User's guide to DG programming PNADL-400*. Washington. DC: USAID.
- Aghanazari, H., Tavakoli, M. J., & Bidar, M. (2018). The semantics of school, system, and science in Islamic economics literature. *Ma'rifat-e Eghtesad-e Eslami. Islamic Economics Cognition*. 19 (10). 25-46. (In Persian)
- Araki, M. (2014). *Fiqh of the Islamic political system: Political worldview*. Tehran: Daftar Nashr-e Ma'aref. (In Persian)

- Araki, M. (2016). *Martyr Sadr was the first to introduce the discussion of system-based fiqh*. Mehr News Agency. Retrieved from (In Persian) <https://www.mehrnews.com/news/3597528>
- Araki, M. (2018). *Advanced jurisprudence of the family system*: First session. [Unpublished lecture]. (In Persian)
- Hadavi Tehrani, M. (2015). *A systematic approach to Islamic management*. In A. Chitsazian & M. Javanali Azar (Eds.), *Starting points in Islamic management*. Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian)
- Hakim, S. M. (2019). *Meftah analytical news portal*. Retrieved from <https://ihkn.ir/> (In Persian)
- Danaeefard, H. (2016). Methodology of semantic studies in social sciences and humanities: Foundations, definitions, importance, approaches, and stages. *Research Methodology in Social Sciences*. 22 (86). 39–71. (In Persian)
- Dang, L. (2018). *Public administration theories: Instrumental and value rationality* (H. Danaeefard, Trans.). Tehran: Mehraban Nashr. (In Persian)
- Sadr, M. B. (2014a). *Islam as a way of life: The school of Islam, our mission* (M. Zandieh, Trans.). Qom: Dar al-Sadr. (In Persian)
- Sadr, M. B. (2014b). *Our economy* (Vols. 1–2) (S. A. Zharfa & M. Borhani, Trans.). Qom: Dar al-Sadr. (In Persian)
- Sadr, M. B. (2014c). *Glimmers* (O. Mozani, Trans.). Qom: Dar al-Sadr. (In Persian)
- Amid, H. (2008). *Amid Persian dictionary*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Fazel Lankarani, M. J. (2018). Ayatollah Fazel Lankarani: *The existing judicial texts in fiqh are not sufficient in the field of judgment*. Hawzah Information Center. Retrieved from <https://hawzah.net/fa/News/View/107997/> (In Persian)
- Fayyazi, M., & Mohammadi, R. (2022). Systemic fiqh through the study of various opinions and its relation to Islamic humanities. *Islamic Law. Institute for Culture and Islamic Thought*. 19 (74). (In Persian)
- Malekzadeh, M. H. (2019). *Lectures on Islamic system-building*. Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian)
- Mirbagheri, S. M. (2017). *An introduction to approaches of governmental fiqh*. Qom: Islamic New Civilization. (In Persian)
- Mirmazi, S. H. (2000). The method of discovering the Islamic economic system (relationship between fiqh and system). *Imam Sadiq University Research Journal*. 6 (11–12), 87–112. (In Persian)
- Nouri, R. (2013). *Foundations of public administration (theories of state and public administration in Iran)*. Qom: Research Institute of Hawzah and University. (In Persian)
- Vaseti, A. (2012). *A systemic view of religion*. Mashhad: Institute for Strategic Studies of Islamic Sciences and Teachings. (In Persian)

-
- Mirbagheri, M., Abdollahi, Y., & Norouzi, H. (2016). Supreme Council of the Cultural Revolution: *Strategy of culture*. Journal No. 36. (In Persian)
- Al-Sadr, M. B. (1996/1417 AH). *Iqtisaduna* [Our economy]. Qom, Iran: Islamic Information Office, Khorasan Branch.
- Al-Sadr, M. B. (n.d.). *Al-Madrasah al-Islamiyyah (1): The contemporary human and the social problem* (Old edition).
- Al-Sadr, M. B. (2005/1384 AH). *Al-Madrasah al-Islamiyyah (2): What do you know about Islamic economics?* Najaf, Iraq: Al-Nu'man Press.
- Al-Sadr, M. B. (2013/1434 AH). *Encyclopedia of the martyred Imam Muhammad Baqir al-Sadr* (21 vols.). Qom, Iran: Research Center of Martyr Sadr, Dar al-Sadr.
- Al-Farahidi, K. b. A. (2003/1424 AH). *Kitab al-'Ayn, arranged by alphabet*. Beirut, Lebanon: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Ibn Manzur, M. b. M. (1993/1414 AH). *Lisan al-'Arab*. Beirut, Lebanon: Dar Sadir.